یادداشت

توسلی، پایه‌گذار موج دوم علوم‌اجتماعی در ایران

علی شاملو

● «حکیمی پسران را پند همی داد که جانان پدر، هنر آموزید که ملک و دولت دنیا، اعتماد را نشاید و سیم و زر در سفر در محل خطر است. یا دزد به یک بار ببرد، یا خواجه به تفاریق بخورد. اما هنر، چشمه زاینده است و دولت پاینده. وگر هنرمند از دولت بیفتد، غم نباشد که هنر در نفس خود دولت است؛ هنرمند هر جا که رود قدر بیند و در صدر نشیند و بی‌هنر لقمه چیند و سختی بیند» (گلستان سعدی) و این حکایت مصداقی بارز برای زنده‌یاد دکتر غلامعباس توسلی است. او برای بسیاری از ایرانیان، متفکران، اصحاب علم و فرهنگ، به ویژه استادان و محققان عرصه علوم اجتماعی، نامی بلندآوازه بود. توسلی سابقه‌ای بیش از ۵۰ سال در فعالیت‌های علمی، دانشگاهی، فرهنگی و سیاسی داشت و درک این سابقه طولانی برای بسیاری به‌خصوص جوانان، ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. او که از پایه‌گذاران و سازندگان موج دوم علوم اجتماعی در ایران بود، موج اول با تلاش‌های فراوان زنده‌یاد استاد غلامحسین صدیقی، احسان نراقی، جمشید بهنام و علی‌محمد کاردان، به وجود آمده بود، پس از انقلاب و بسته‌شدن دانشگاه‌ها، نقشی اساسی در پی‌ریزی پایه‌های اصلی علوم اجتماعی در ایران داشته است. بدون شک این نقش اساسی، تنها منحصر به عرصه علوم اجتماعی نمی‌شود، بلکه دیگر عرصه‌های علوم انسانی را نیز دربر می‌گیرد. بدون اغراق باید گفت پس از بسته‌شدن دانشگاه‌ها در سال ۱۳۵۹، به واسطه انقلاب فرهنگی، دکتر توسلی از جمله کسانی بود که در بازگشایی و احیای دوباره رشته‌های علوم انسانی، ایفاگر نقش اصلی بوده است. در فضای پرالتهاب انقلاب اسلامی که عده‌ای ندای تعطیلی بسیاری از رشته‌های علوم انسانی را سر داده بودند؛ توسلی با تلاش‌های بی‌دریغ و همه‌جانبه خود، تمامی رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی را بی‌کم و کاست و حتی با شکل و شمایل جدید، دوباره در دانشگاه‌ها فعال کرد و موجب رشد و بالندگی آنها شد، به‌طوری‌که امروز شاهد هستیم هزاران دانشجو در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترای رشته‌های گوناگون علوم اجتماعی نظیر جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، جمعیت‌شناسی و... در حال تحصیل و فراگیری علم هستند. این اندیشمند برجسته، با متفکران بزرگی نظیر مهدی بازرگان، محمدتقی شریعتی، یدالله سحابی، سیدمحمود طالقانی، علی شریعتی، ابراهیم یزدی و عزت‌اله سحابی، فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی خود را آغاز کرد و تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی این مسیر را ادامه داد. در نهضت مقاومت ملی فعالیت کرد و این کار را در نهضت آزادی ایران که شاخه‌ای از نهضت مقاومت ملی است، ادامه داد و همگام با نیروهای ملی و مذهبی در پایه‌گذاری بنیان‌های فرهنگی و سیاسی این مرز و بوم مشارکت فعال داشت. او همچنین در مسیر علمی، به‌خصوص در رشته علوم اجتماعی، کار خود را با غلامحسین صدیقی، در دانشگاه تهران آغاز کرد و به همراه بزرگان این رشته در بسط و گسترش آن، نقشی بی‌بدیل ایفا کرد. ایشان همچنین ده‌ها اثر علمی در قالب کتاب، مقاله، سخنرانی و مصاحبه، به جامعه علمی کشور عرضه داشته است، به‌طوری‌که اکنون تمامی این آثار محل رجوع دانشجویان و محققان عرصه علوم اجتماعی است. مرحوم توسلی، از طعن حسودان چمن نیز مصون نبوده است و برخی کم‌مایگان بر آن بوده و هستند که قدر و منزلت ایشان را بی‌چیز جلوه دهند، اما استقامت و ایمان این اندیشمند، موجب شد که طعن حسودان و تحریف محرفان کارگر نیفتد و شاهد جاری و ساری‌بودن اندیشه‌هایش در دوران عمر پربرکتش باشیم. دکتر توسلی در طول دوره‌های خدمت دانشگاهی خود بیش از ۲۰ جلد کتاب درسی و کمک‌درسی نظری و کاربردی، تألیف، ترجمه و منتشر کرده است که برخی از آنها چندین بار تجدید چاپ شده‌اند و بعضی از آنها مشمول تشویق و دریافت لوح سپاس شده است. او بیش از ده‌ها مقاله علمی، فرهنگی، سیاسی و... دارد که در نشریات علمی-پژوهشی، مجلات، روزنامه‌ها، همایش‌های داخل یا خارج از کشور به چاپ رسیده است.

خبر

معاون پارلمانی رئیس‌جمهور:

اصلاح طرح انتخابات به صلاح کشور نیست

● **خبرآنلاین:** حسینعلی امیری، معاون پارلمانی رئیس‌جمهور، در حاشیه جلسه روز گذشته هیئت دولت در جمع خبرنگاران گفت: با وجود لایحه جامع انتخابات که در آن هم منابع مالی کاندیداها به‌صورت شفاف دیده شده و هم رویه‌ها را واحد کرده و مراحل غیرضروری را حذف کرده‌ایم، در شرایط فعلی اصلاح طرح تازه‌ای در این زمینه به صلاح کشور نیست. همچنین مجلس طرحی را هم برای اصلاح قانون انتخابات شوراهای شهر تدوین کرده که آن‌هم با موافقت دولت همراه نیست. قرار شد وزیر کشور نیز به‌عنوان مخالف ازسوی دولت به مجلس برود و در این زمینه صحبت کند.

بررسی علل تمایل اصلاح‌طلبان به پیروزی دموکرات‌ها در انتخابات آمریکا

بایدن، برگ برنده انتخاباتی اصلاح‌طلبان؟

مهرشاد ایمانی: دوگانه مذاکره- مقابله مهم‌ترین دلیلی بود که حسن روحانی در انتخابات سال ۹۲ توانست با بیش از ۱۸ میلیون رأی، رقبای مقابله‌خواه خود را پشت‌سر بگذارد و با پیروزی در همان دور نخست انتخابات بر کرسی ریاست‌جمهوری تکیه بزند. درحقیقت گرچه سیدمحمد خاتمی در جایگاه لیدر جریان اصلاحات و نیز مطلق اصلاح‌طلبان، از روحانی حمایت کردند -که اگر نمی‌کردند بی‌تردید جامعه به او اقبال نشان نمی‌داد- اما اصلاح‌طلبان هم مهم‌ترین شعار و دلیل حمایت‌شان از روحانی را سامان‌دادن به اوضاع دیپلماتیک معرفی می‌کردند و حتی با خوانش مجموع اظهارنظرهای نیروهای اصلاح‌طلب از سال ۹۲ تاکنون می‌توان دریافت که آنها در دوراهی روحانی- عارف، روحانی را انتخاب کردند تا بتواند با توجه به تجربیاتش در مذاکرات بین‌المللی راهی برای رفع مناقشات با غرب پیدا کند که البته با تأیید نظام پیدا هم کرد و دستاوردش برجام شد؛ برجامی که محمدجواد ظریف همه توان خود را برای به‌سرانجام‌رسیدنش به کار گرفت و تا حد امکان سعی کرد که در مفاد آن توافق‌نامه منافع ایران لحاظ شود. فارغ از آنکه چقدر در این هدف موفق بود، توافق‌نامه برجام توانست تا پایان دولت اوباما زمینه‌های رفع فشارهای بین‌المللی بر ایران را فراهم کند که البته این شرایط با روی‌کارآمدن دونالد ترامپ جمهوری‌خواه در آمریکا دچار آشفتگی شد و او به‌سرعت آمریکا را از این توافق خارج کرد و به وضع تحریم‌های یک‌جانبه علیه ایران پرداخت.

با ذکر این اوصاف، روحانی و ظریف هنوز هم مهم‌ترین دستاورد خود را برجام می‌دانند؛ زیرا می‌گویند اگر ترامپ زیر میز بازی نمی‌زد، این احتمال وجود داشت که امروز شرایط ایران به گونه‌ای دیگر باشد؛ به نحوی که به‌تازگی روحانی صراحتا گفت آدرس اشتباه به مردم ندهید و «لعن و نفرین‌ها» را به سمت آمریکا بفرستید؛ بنابراین چه در سال ۹۲ و چه امروز مهم‌ترین بحثی که در محافل سیاسی از آن سخن به میان می‌آید و از قضا به صورت مستقیم بر زندگی مردم هم تأثیرگذار بوده، نوع ارتباط ایران با غرب و مشخصا با آمریکاست. چه در ستایش روحانی برای انعقاد برجام و چه با دیدی انتقادی در مذمت او برای اعتماد به غرب و مشخصا به آمریکا و دوگانه مذاکره- مقابله از سال ۹۲ تاکنون و شاید از سال ۵۷ تا امروز جریان داشته است و هیچ‌وقت جمع‌بندی جامعی بر آن وجود نداشته است.

اکنون و در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۴۰۰ این موضوع همچنان جریان دارد و دو جناح سیاسی اصلاح‌طلب و اصولگرا می‌کوشند مواضع خود را درباره این مسئله برای مردم تبیین کنند. اصولگرایان در سال‌های اخیر بارها به اصلاح‌طلبان انتقاد کرده‌اند که اگر راه مقاومت و مقابله با آمریکا در پیش گرفته می‌شد، اولا از ظرفیت‌های داخلی غافل نمی‌شدیم و ثانیا «زورگویان» را به عقب می‌راندیم و اصلاح‌طلبان هم شرایط کنونی را با وضعیت پیش‌آمده در دوران احمدی‌نژاد مقایسه می‌کنند و می‌گویند که گرچه آمریکا بدعهدی کرده است، اما اکنون ایران در آستانه جنگ نیست و بسیاری از کشورها این‌بار آمریکا و نه ایران را محکوم می‌کنند. از سوی دیگر، اگر سایه تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا بر سر ایران وجود دارد، سایه تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل که وجه قانونی در عرصه بین‌المللی داشت، از سر مردم برداشته شده است.

اما به نظر می‌رسد چنین بحث‌هایی دیگر نمی‌تواند باعث قانع‌شدن مردم برای اعتماد به یکی از دو جناح اصلاح‌طلب و اصولگرا شود، زیرا مردم با واقعیات مواجه‌اند و واقعیت امروز ایران تأثیر تحریم‌های یک‌جانبه آمریکاست؛ بنابراین آن‌طور که برداشت می‌شود، درصورتی‌که دونالد ترامپ باز هم بتواند بر کرسی ریاست‌جمهوری آمریکا تکیه بزند، دست‌کم اصلاح‌طلبان نمی‌توانند از دوگانه مذاکره-مقابله در انتخابات بهره ببرند و مردم را قانع کنند که در صورت پیروزی با مذاکره مجدد با غربی‌ها از میزان فشارها می‌کاهیم؛ زیرا اولا ترامپ نشان داده است که اهل مذاکره نیست و هیچ امکانی برای مذاکره با او وجود ندارد و ثانیا در سال‌های اخیر سیاست کلی نظام مبتنی‌بر مذاکره با دولت فعلی به ریاست دونالد ترامپ نبوده است و این موضوع بارها در بزنگاه‌های مختلف عنوان شده است. با چنین پیش‌فرض‌هایی به‌نظر می‌رسد اگرچه ممکن است سیاست کلی آمریکا در مواجهه با ایران با روی‌کارآمدن جمهوری‌خواهان یا دموکرات‌ها تغییر چندانی نکند؛ اما پیروزی بایدن می‌تواند برگ برنده‌ای برای اصلاح‌طلبان باشد؛ زیرا از یک‌سو آنها می‌توانند باز هم بر امکان رفع مشکلات ازطریق مذاکره تأکید کنند و از سوی دیگر این‌بار اگر اصولگراها بر منع مذاکره تأکید کردند، در افکار عمومی نسبت به آنها انتقادهای مهمی مطرح کنند.

دلیل دیگر آنکه اصلاح‌طلبان می‌توانند با چنین سیاستی برگ برنده مهمی در دست داشته باشند، ترس مردم از آشفته‌شدن بیش‌ازپیش وضعیت داخلی با محوریت شرایط اقتصادی است؛ به‌ویژه آنکه اغلب سرمایه اجتماعی اصلاح‌طلبان متشکل از طبقه متوسط است و این طبقه به‌دلیل تمایل به پرهیز از خشونت همیشه سعی کرده است که اوضاع را بدون هرگونه افراط‌گرایی سامان دهد. این شرایط در حالی است که ترامپ نماد تندخویی و سازش‌ناپذیربودن است و در تمام این سال‌ها مهم‌ترین هدف خود را تحت فشار قراردادن دولت ایران معرفی کرده است. با وجود چنین نگاهی در جامعه مردم امیدی به بهبود اوضاع با روی‌کارآمدن مجدد ترامپ ندارند؛ اما اگر بایدن روی کار بیاید، این قاعده فرق می‌کند و اگرچه او هم شرط و شروط زیادی دارد، اما مسیر دیپلماسی با او بسته نیست و در این چرخه اصلاح‌طلبان و نیروهای معتدل ایران می‌توانند باب مذاکره را دوباره باز کنند، نه اصولگرایانی که در تمام این سال‌ها یکسره با مذاکره مخالفت کرده‌اند؛ بنابراین فارغ از آنکه شعارهای تعامل‌گونه بایدن چقدر واقعی باشد و چقدر او عمیقا به برقراری رابطه‌ای منطقی با ایران باور داشته باشد، نگاه عمومی داخلی در ایران نسبت به او مساعدتر از ترامپ است و شاید اصلاح‌طلبان بتوانند درصورتی‌که او روی کار بیاید، با استفاده از نگاه موجود، در شرایطی که سرمایه اجتماعی‌شان تقریبا بی‌رغبت به مشارکت در انتخابات هستند، باز هم با تکیه بر مذاکره و امید به بهبود شرایط مخاطبان خود را -که کم هم نیستند- قانع کنند تا پای صندوق بیایند.

شاید به چنین دلایلی باشد که نیروهای اصلاح‌طلب از حالا میل خود به پیروزی بایدن را عنوان می‌کنند؛ چنان‌که به‌تازگی احمد نقیب‌زاده به روزنامه «آرمان ملی» گفت که «اگر بایدن به ریاست‌جمهوری برسد و به برجام نیز بازگردد، یک موفقیت بزرگ نصیب جمهوری اسلامی خواهد شد». یا حسین مرعشی در گفت‌وگو با «خبرآنلاین» گفت: «در انتخابات آمریکا فعلا فرض غالب این است که آقای بایدن برنده انتخابات می‌شود؛ بایدن و دموکرات‌ها چون برجام را کار خودشان تلقی می‌کردند، رسما اعلام کردند که به برجام بازمی‌گردند و این یک فرصت خیلی خوب است، اگر آمریکایی‌ها به برجام برگردند، ایران نیز در چارچوب ۵+۱ می‌تواند گفت‌وگوهایش را ادامه دهد» یا عباس عبدی در گفت‌وگو با روزنامه «شرق» با ابراز تمایل به ریاست‌جمهوری بایدن گفت که «شخصا دوست دارم بایدن انتخاب شود؛ به دلیل اینکه نظام جهانی را به جایگاهی که قبلا بود، برگرداند و کمی از این فضای تنش بیرون بیاورد». حتی صریح‌تر از نفرات پیشین، اسماعیل گرامی‌مقدم به «نامه‌نیوز» می‌گوید: «اگر دموکرات‌ها برنده انتخابات ۲۰۲۰ باشند، در ایران نیز امید به مردم برمی‌گردد و احتمالا یک رئیس‌جمهور اصلاح‌طلب یا اعتدال‌گرا انتخاب خواهد شد».

به هر روی در شرایطی که انتخابات مجلس در اسفند ۹۸ نشان داد که سرمایه اجتماعی اصلاح‌طلبان میلی به شرکت در انتخابات ندارند، شاید تنها عاملی که بتواند روند انتخابات ریاست‌جمهوری ایران را متحول کند، پیروزی بایدن در آمریکا و استفاده انتخاباتی جریان اصلاحات از این رخداد سیاسی باشد.

عکس: AP

ادامه از صفحه اول

تاب‌آوری در محک داوری کرونا

کلمبیا اولین کشوری در بدنه آمریکای جنوبی است که در مسیر آمریکا بعد از پل ارتباطی کاستاریکا- پاناما قرار می‌گیرد و از طرف شرق با ونزوئلا، یکی از ورشکسته‌ترین اقتصادهای جهان، همسایه می‌شود. کلمبیا مثل بسیاری از کشورهای دیگر در پنج قاره جهان با بیماری کووید ۱۹ درگیر شده و در ابتدا در تاریخ ششم مارس ۲۰۲۰ ورود ویروس به کلمبیا را تأیید کرده است، ولی تا ۱۰ روز این را که کلمبیایی‌ها آلوده‌اند، انکار می‌کرده است و همین موضوع موجب انتشار ویروس در کشور شده است، اما در ۱۷ مارس رئیس‌جمهور اعلام وضعیت فوق‌العاده کرده است. آمار امروز آن حدود ۹۶۰هزار مورد تأیید شده و حدود ۲۹ هزار مرگ (۳.۱ درصد از کل ابتلا) و البته با روند رو به پایین و کنترل‌شده و فقط با یک پیک اولیه بوده است و البته علایم افزایش مجدد در آن موجب نگرانی شده است. اقتصاد کلمبیا به‌دلیل محیط بیودایورس و زیبایی‌های طبیعی بیشتر بر صنعت توریسم تکیه دارد و در ضمن محصول قهوه و کاکائوی آن اشتهار و صادرات جهانی دارد. میزان GDP در کلمبیا در سال ۲۰۱۸ مبلغ ۳۳۱ بیلیون دلار بوده و طبیعی است که باید در دوره پاندمی کووید۱۹ به‌دلیل توقف و کاهش مسافرت‌ها و توریسم دچار آسیب اساسی شود اما برآورد GDP کلمبیا تا سال ۲۰۲۲ که سال احتمالی کاهش آثار کروناویروس بر اقتصاد است ۳۲۰ بیلیون دلار با کاهشی اندک است. اما چگونه کلمبیا توانسته است چنین موفقیت نسبی‌ای را به دست آورد و چه سیاست‌هایی را اتخاذ کرده است؟ برای فهم این موضوع باید به سال ۲۰۱۴ برگشت که اقتصاد ونزوئلای ورشکسته امروز با GDP ۴۸۲.۴ بیلیون دلار از اقتصاد ۳۸۱.۰۰بیلیون دلاری کلمبیا بسیار قوی‌تر است و از همان سال آثار رکود اقتصادی در قاره آفریقا شروع شد و از همان سال این دو کشور همسایه دو رویکرد متفاوت را برگزیدند. ونزوئلا رویکرد رزیستنس یا مقاومت را برگزید و کلمبیا رویکرد رزیلینس یا مدیریت منعطف یا تاب‌آوری را و همین نوع سیاست‌ورزی در دوره کرونا نیز ادامه پیدا کرده و این دو کشور را در دو شرایط متفاوت قرار داده است. آنچه واضح است اینکه کلمبیا توانسته با نگاهی استراتژیک و با اتخاذ سیاست‌های عاقلانه و رسپانس به‌موقع نه‌تنها این دوران شکننده را با کنترل و کاهش میزان ابتلا و مرگ و با نسبت مرگ نسبت به ابتلا ۳.۱۳ درصد بگذراند که نشانه ریکاوری خوب سیستم درمانی او نیز هست، بلکه در همین هفت ماه با ریکاوری و بازتوانی اقتصادی یک‌میلیون‌و ۲۰۰ هزار شغل جدید نیز ایجاد کرد. آنها بسیاری از شرکت‌ها و کارکنان صنعت توریسم را با تغییر کاربری و تجهیز اولیه به شرکت‌های تولیدی تجهیزات (PPE) برای تولید لباس و ماسک و تجهیزات مورد استفاده در امر محافظت شخصی در مقابل آلودگی ویروسی، تبدیل کرده و با افزایش قابل پیش‌بینی بازار جهانی حداقل برای دو سال و در غیاب اولیه چین در چند ماه اول رقابت ضمن تأمین نیازهای داخلی، به میزان زیادی از محصولات خود را صادر کرده‌اند یعنی ریکاوری بسیار اثربخش و مثبت اقتصادی انجام داده‌اند، مضافا اینکه ۱،۲۰۰ هزار شغل جدید در همین راستا ایجاد کرده‌اند. در ادبیات کشور ما (Resiliency) را به تاب‌آوری ترجمه کرده‌اند اما شمایلی که از آن توسط مدیریت میانی در کشور کشیده می‌شود شباهتی با اصل آن ندارد، بلکه در صورت تجسم عینی که آن هم بعید می‌نمایاند شباهت با (Resistance) یا مقاومت دارد که نوعا بدون داشتن ظرفیت تاب‌آوری، شکننده است. اینکه جامعه‌ای به دنبال رزیلینسی (مدیریت منعطف تاب‌آوری) باشد یا رزیستنسی (مقاومت) به مؤلفه‌های تعیین‌کننده بسیاری مرتبط است که بیش از هر چیز به آگاهی‌ها و جهان‌بینی مسئولان آن جامعه و شرایط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و توان شناخت و عمل مدیران در حوزه‌های مختلف توسعه‌ای آن جوامع ارتباط پیدا می‌کند. تفاوت مهم جامعه‌ای که هدف‌گیری استراتژیک آن ایجاد مقاومت است با جامعه‌ای که به‌صورت استراتژیک رزیلینس یا مدیریت منعطف و تاب‌آور را هدف گرفته، این خواهد بود که اولی در مقابل هر تغییری مقاومت یا تلاش خواهد کرد حداقل تأثیر از تغییر را پیدا کند و به‌صورت سنتی هر تغییری را تهدید فرض خواهد کرد. مهم اینجاست که این‌گونه جوامع مقاومتی ضمن اینکه در مقابل تغییراتی که ناهنجار ارزش‌گذاری می‌شوند مقاومت و مقابله می‌کنند، چنین جوامعی یک پای ثابت در سنت‌گرایی و یک پای لرزان در مدرنیسم دارند و بیشتر کانسرواتیو و محافظه‌کار هستند تا تحول‌گرا و ریسک‌پذیر. چنین جوامعی در وادی سرعت توسعه، به کندی می‌روند و گرفتار کلیشه‌های بی‌شماری هستند. این جوامع بیش از اندازه گرفتار شعار و نمایش می‌شوند. در این جوامع رشد و توسعه پایدار اتفاق نمی‌افتد؛ چراکه زمینه اصلی آن که ایجاد اعتماد اجتماعی و نهادینه‌شدن شبکه‌های زایای اجتماعی است، فرصت پیدا نمی‌کند. در نهایت این جوامع مقاومت را لازمه حفظ استقلال می‌شمارند و استقلال را خودکفایی و خودبسندگی در همه عرصه‌ها فرض می‌گیرند و در مقابل تغییر در حوزه نظر و عمل مقاومت می‌کنند. اما (resiliency) یا مدیریت منعطف با هوشمندی و محاسبه پایه‌های خویش را بر اجماع (consensus) می‌گذارد و از شانه‌های کنش و پاسخ‌گویی به‌موقع، بالا می‌رود و مسئولیت واکنش معقول را بر چشم خویش می‌نهد و تمام توان خویش را بر بازسازی، بازآفرینی و بازتوانی (Recovery) و ایجاد تنوع اقتصادی و رشد بخش اقتصادی مولد و نوآور و ایجاد فرصت‌های برابر برای همه در جهت شکوفایی کارآفرینان واقعی و ایجاد جامعه همه‌شمول و غیرانحصاری با بستن مسیرهای رانت و ویژه‌خواری فسادزا و واسطه‌پروری می‌گذارد. جوامع رزیلینس چون شاخه‌های تر و منعطف درختان هستند که در مقابل توفان خم می‌شوند اما نمی‌شکنند و اما جوامع رزیستنس که فقط برمبنای مقاومت سخت و بی‌انعطاف شکل می‌گیرند در تندباد حوادث می‌شکنند و امکان بازیافت پیدا نمی‌کنند. جوامع رزیلینس با ریسک‌ها زندگی می‌کنند و هر روز خلاقیتی جدید را در تضارب با ریسک‌ها و نظرها می‌آفرینند و سعی می‌کنند هر تهدید ملی و منطقه‌ای و حتی جهانی را به فرصت متقابل در همان سطح تبدیل کنند. در این جوامع گستره بازار جهانی هدف اقتصادی می‌شود و خود را برای رقابت آماده می‌کنند و آموزش‌وپرورش در چارچوب ایجاد انسان‌های درستکار، کنجکاو، کارآفرین و سرمایه‌آفرین در بستر انتخاب طبیعی تکاملی سیاست‌گذاری می‌شود. جامعه رزیلینس تفسیر متفاوتی از استقلال دارد و آن را نه هم‌وزن خودبسندگی بلکه مساوی با حق و فرصت انتخاب می‌گیرد. حق و فرصت انتخاب‌شدن و حق و فرصت انتخاب‌کردن که هر دو مهم و حیاتی هستند. جامعه رزیلینس دنبال حق و فرصت انتخاب‌شدن در جامعه جهانی و رقابت‌های جهانی است و فرصت انتخاب‌کردن را نیز در بالاترین سطح به خدمت می‌گیرد و همین نگاه را در بسط و احقاق حقوق مردم به کار می‌گیرد. جامعه رزیلینس همان جامعه‌ای است که به فرمایش مولای متقیان حاکم و مردم در آن نسبت به هم حق دوطرفه دارند. در حوزه اقتصاد جامعه رزیلینس همان جامعه‌ای است که ماهیگیری یاد می‌دهد اما هیچ‌کس نیز سفره‌اش بی‌ماهی نمی‌ماند. برمبنای جامعه رزیلینس طبقات آسیب‌پذیر به‌دلیل آسیب طبیعی یا براثر حوادث از سفره عمومی بیرون نمی‌افتند، بلکه جایگاه مطمئن‌تری را دارند. جامعه رزیلینس یا اگر آن را تاب‌آور بنامیم جامعه‌ای است که پیش از همه مسئولان و نخبگانش تاب تحمل عدالت را پیدا می‌کنند و در دام ویژه‌خواری نمی‌افتند. جامعه‌ای که نمایندگانش پیش از موکلانش سهمیه واکسن یا هر امتیاز و دسترسی شهروندی دیگری را به‌دلیل نماینده‌بودن دریافت نمی‌کنند و وزرایشان به‌خاطر دو روز بیشتر ماندن به بی‌عدالتی و تبعیض تن نمی‌دهند. جامعه‌ای رزیلینس و تاب‌آور می‌شود که در آن ترس ازدست‌دادن حق خود و ولع دست‌یازی به حق دیگران بر زبان نخبگان و اهل دانش لکنت نمی‌اندازد و امتیازها و ابلاغ‌ها قفل بر زبان دانش نمی‌نهد. این اتفاق نمی‌افتد مگر اینکه حقوق مردم و حکومت در دو کفه یک ترازو کنار هم پاس داشته شود و در تعادل موجب قوام و تعادل اجتماعی و سیاسی شود؛ آنجا که امام علی(ع) در خطبه ۲۱۶ نهج‌البلاغه این دو حق را از واجبات الهی می‌شمارد. جامعه رزیلینس جامعه‌ای است که اگر در آن کنترل درونی اخلاق و ایمان و وجدان هم نباشد اما کنترل‌های بیرونی مقتدری چون افکار عمومی آگاه و رسانه‌های مستقل و قانون همه‌گیر و نظارت‌های مستقر امکان کج‌روی را هزینه‌ساز می‌کند. جامعه رزیلینس را نمی‌توان از چند پاورپوینت به‌سرقت‌رفته استخراج کرد که رزیلینسی ریشه در باور عمومی به احقاق حق عمومی دارد. رزیلینسی در یک جامعه ارتباط وثیق با میزان فربهی حوزه عمومی و حق عمومی و سیاست‌گذاری بر مبنای خیر عمومی دارد و در یک کلام شکل و شمایل جامعه رزیلینس یا جامعه آگاه عدالت‌محور منعطف یا سازگار با مبانی توسعه بشری از ترکیب دو مؤلفه پاسخ‌گویی (Responce) و بازتوانی (Recovery) هویدا می‌شود. یک جامعه رزیلینس ایرانی-اسلامی طبیعی است که با یک جامعه رزیلینس مسیحی یا اتیست در بسیاری از محورها متفاوت خواهد بود و رزیلینس به معنی تطبیق فرهنگی یا حتی اجتماعی و سیاسی نیست اما در همه اینها سه مشخصه پاسخ‌گویی و بازتوانی و اولویت خیر عمومی باید موجود باشد که در غیر این صورت جامعه رزیلینس محسوب نمی‌شوند. رزیستنسی و رزیلینسی نه مخالف هم که مکمل هم هستند و با هم سکوریتی یا امنیت اجتماعی را می‌سازند. در اوایل همه‌گیری کرونا این‌جانب در جهت ایجاد توجه و عنایت سیاست‌گذاران نظام سلامت کشور، نمودار وضعیت امنیت سلامت ایران با اسکور ۳۷.۷ با جایگاه ۹۷ از ۱۹۵ کشور را مبتنی بر GHS INDEX در نوشتار کوتاهی منتشر کردم تا هشدارباش سیاست‌گذاران در ایجاد کمربند ایمنی مناسب قبل از رسیدن همه‌گیری به کشور باشد؛ اما متأسفانه التفاتی نشد و تمهیدی اندیشیده نشد تا شرایط به این وضع ناگوار درآمد. در ایران سیاست‌گذاران ارتباط منطقی بین سیاست متخذه خودشان و نتیجه محیطی آن را نمی‌بینند و ارتباط سیاست- پیامد- عواقب (POC) را به رسمیت نمی‌شناسند و فکر می‌کنند آنها هر سیاست ناقصی هم که اتخاذ بکنند نتایج دلخواه خود را خواهند گرفت و اگر آن نتایج نیز حاصل نیاید، نشانه خلأ یا نقص سیاستی آنها نیست، بلکه دیگران خوب عمل نمی‌کنند یا چوب لای چرخ آنها می‌گذارند و این نشانه ناقص‌ترین درک از مقوله چرخه سیاست است. در نهایت اگر ما در ایران دنبال توسعه فراگیر و پایدار باشیم، باید مقاومت را در شکل هوشمند، منعطف و دانش‌مدار و مبتنی‌بر شواهد واقعی آن در جهت افزایش رزیلینسی و مدیریت تاب‌آورانه ببینیم و عمیقا باور کنیم که پیامدها نتیجه سیاست‌های دیروز و امروز و آینده ما هستند. در شرایط فعلی و به‌طور خلاصه کشورها را در ارتباط با تعادل بین رزیلینسی و رزیستنسی می‌توان مطابق شکل زیر به چهار گروه مختلف تقسیم کرد و جایگاه هر کشور را مبتنی‌بر سیاست‌های آن و شرایط زیست‌بوم آن مشخص کرد.

۱) کشورهایی که هر دو متغیر در آنها بالاست.

۲) کشورهایی که هردو این متغیرها پایین است.

۳) کشورهایی که رزیلینسی بالا و رزیستنسی پایین دارند.

۴) کشورهایی که رزیلینسی پایین و رزیستنس بالا دارند.

ادامه از صفحه ۲

دو دست بیشتر نداریم

او درباره اینکه اقدامات تخریبی اصولگرایان علیه دولت تا چه اندازه به ضرر کشور است، عنوان کرد: «این اقدامات به نفع مملکت نیست، این اقدامات اصولگرایان نشان می‌دهد که آنها در فاز کشور نیستند و نمی‌دانند تحریم یعنی چه. به نظر می‌رسد اصولگرایان این دروغ را باور کردند که تحریم‌ها و قطع‌نامه‌ها کاغذپاره است در نتیجه نمی‌دانند که مملکت در چه شرایطی است و فکر می‌کنند که کشور باید بهشت بَرین باشد درحال‌حاضر هم که اکثر آنها، نماینده مجلس شدند». عبدالعلی‌زاده درباره راه‌حل برون‌رفت از شرایط فعلی نیز گفت: «راه‌حل برای بهبود اوضاع وجود دارد اما این نمایندگان نشان می‌دهند که خیلی زود به مجلس آمدند، اینها باید چندسالی تجربه کسب می‌کردند و بعد وارد مجلس می‌شدند، برای این نمایندگان خیلی زود بود که وارد مجلس شوند».

ذوالنور زودتر از همه با آمریکایی‌ها دست می‌دهد

مصطفی هاشمی‌طبا، معاون دولت اصلاحات نیز به توییت تهدیدآمیز مجتبی ذوالنور واکنش نشان داد و با اشاره به اهمیت ارتباط ایران با کشورهای دنیا به «نامه‌نیوز» گفت: «سیاست خارجی توسط مقام معظم رهبری تصمیم‌گیری می‌شود. اگر نظام تصمیم به مذاکره بگیرد همین آقای ذوالنور زودتر از بقیه با آمریکایی‌ها دست می‌دهد. فکر نکنیم برخی‌ها خیلی انقلابی هستند، خیر این‌طور نیست. می‌گویند شاعری وام گرفت، شعرش آرام گرفت». طرح استیضاح رئیس‌جمهور چنان عجیب بود که حتی صدای برخی اصولگرایان را نیز درآورده و آن را خام و ناپخته می‌دانند. حجت‌الاسلام قاسم روانبخش که از شورای مرکزی جبهه پایداری است، دراین‌باره گفته است: «ورود به استیضاح نیاز به وحدت و هماهنگی دارد. اینکه جبهه اصولگرایی خودش دچار تشتت آرا باشد و عده‌ای موافق و عده‌ای مخالف استیضاح باشند، نه‌تنها بحث استیضاح را به سرانجامی نمی‌رساند بلکه روحانی را نسبت به بحث استیضاح بی‌تفاوت می‌کند و او را خوشحال می‌کند». او گفته: «اگر بنا بر این بود که بحث استیضاح مطرح شود، ابتدا باید عقلای قوم می‌نشستند و بحث و بررسی می‌کردند و بعد اگر به جمع‌بندی می‌رسیدند، اقدام به استیضاح می‌کردند. اما به این شکل که ناپخته شروع شد و عده‌ای مخالف و عده‌ای موافق آن بودند، باعث می‌شود روحانی خیالش از استیضاح در این چندوقت راحت باشد و شمشیر استیضاح را بالای سر خودش نبیند». روانبخش با بیان اینکه با کناررفتن روحانی، مشکلات حل نمی‌شود، افزود: «این‌گونه نیست که با عزل روحانی، همه مشکلات حل بشود و اوضاع به دو سال پیش برگردد و مثلا دلار به زیر ۱۰تومان برسد. این درحالی است که مردم انتظار دارند وقتی رئیس‌جمهور کنار گذاشته شد، اوضاع به شرایط قبل برگردد، ولی وقتی این اتفاق رخ ندهد، این‌طور تبلیغ می‌شود که مقصر روحانی نبوده؛ چراکه اکنون که دیگر روحانی در رأس نیست، پس چرا مشکلات حل نمی‌شود؟».

سرنوشت مبهم قانون انتخابات

امیری افزود: همچنین نمایندگان مجلس طرحی را هم برای اصلاح قانون انتخابات شوراهای شهر تدوین کرده که آن‌هم با موافقت دولت همراه نیست و قرار شد که وزیر کشور نیز به‌عنوان مخالف به نمایندگی از دولت به مجلس برود و در این زمینه صحبت کند. او تأکید کرد: رئیس‌جمهور به تعامل مجلس با دولت تأکید دارد و ما با کلیت مجلس هیچ مشکلی نداریم. در مجلس تعداد انگشت‌شماری از نمایندگان هستند که گاهی از الفاظ و عباراتی استفاده می‌کنند که زیبنده نمایندگی مجلس نیست و در این موارد هم ما گله‌مندی خود را به رئیس مجلس اعلام کردیم. معاون پارلمانی رئیس‌جمهور با بیان اینکه در چنین شرایطی که ما از سوی ترامپ و هم‌پیمانانش در یک جنگ اقتصادی قرار داریم و آنان دولت و شخص رئیس‌جمهور را سیبل حملات خود قرار داده‌اند، طرح موضوع استیضاح رئیس‌جمهور جز خوشحالی دشمنان و آمریکا هیچ آثار مثبتی به دنبال ندارد، گفت: تشکر می‌کنم از کسانی که در مجلس موضوع را به بحث گذاشتند و امضاهای این طرح جمع شد. او درباره اینکه طرح شکایت از نمایندگان از سوی معاون پارلمانی دولت در چه مرحله‌ای قرار دارد، تصریح کرد: مسئول پیگیری شکایت، معاونت پارلمانی نیست بلکه معاونت حقوقی این کار را بر عهده دارد؛ اما مسائلی را که در راستای آیین‌نامه داخلی مجلس برای جبران مواردی که گاهی براساس اطلاعات نادرست و غلط به نمایندگان داده می‌شود و در نطق‌های مجلس اظهار می‌کنند، به رئیس مجلس اعلام می‌کنیم تا بر اساس آیین‌نامه داخلی مجلس برای دولت فرصت جبران این موارد و دفاع را فراهم کنند. امیری افزود: حدود ۶۶ لایحه در مجلس داریم که ب